

حاشیه‌ای بر درخواست نظر

عباس عبدي

تماس‌های گرفته شده از سوی آقایان ریسی و اژه‌ای با برخی افراد برای کسب نظرات و ایجاد يك خط ارتباطی ذاتا گام مثبتی بود، به همین دلیل نیز بنده بدون هیچ شرط و شروطی پاسخ مثبت دادم و حتماً همچنین خواهم کرد و تاکنون هم انجام داده‌ام. با این حال بد نیست که به زوایای چنین پیشنهادی نیز پرداخته شود تا درک طرفین و مردم از این رفتارها و اقدامات روشن‌تر شود. اولین موضوعی که باید توجه کنیم، لزوم گفت‌وگو در عرصه عمومی است. از این جهت گفت‌وگو درباره موضوع سیاست با اخلاقیات فردی تفاوت دارد. ما اگر به فرزندانمان یا دوستان توصیه‌ای یا انتقادی داریم، باید آن را حتی‌المقدور به صورت خصوصی طرح کنیم، زیرا ملاحظات اخلاقی حکم می‌کند که موضع ما نسبت به یکدیگر دوستانه و تابع منطق رفتار فردی باشد. ولی هنگامی که می‌خواهیم رفتار سیاستمداران و صاحبان قدرت را نقد کنیم، بیان خصوصی آن لزوماً فایده‌ای ندارد، زیرا منطق حاکم بر رفتار سیاسی، قدرت است. ما با نقد دقیق خود از سیاستمداران، تولید قدرت می‌کنیم و موازنه قوا را علیه او تغییر می‌دهیم و او را به نحو قدرتمندانه مجبور به پذیرش پیشنهادها و نقد خودمان می‌کنیم. در حقیقت ذهنیت و تصمیم سیاستمداران لزوماً تابع منطق متعارف و عقلانی و علمی نیست، بلکه تابع قدرت است و در بیشتر موارد هنگامی که می‌بینند انتقادات علیه آنان در حال تبدیل شدن به قدرت است، نظر خود را تغییر می‌دهند. بنابراین بخش مهمی از نقدها (و نه لزوماً همه آنها) را باید در عرصه عمومی طرح کرد تا مسوولی که مخاطب نقد است خود را در برابر جامعه ببیند و رفتار یا سیاست خود را تغییر دهد و اگر نداد تبعات آن را نزد افکار عمومی مردم پذیرا شود.

هر چند تردیدی نیست که برخی توصیه‌ها و پیشنهادها را بهتر است در موقعیت خصوصی و مستقیم نیز بیان کرد. اگر از این نکته کلی بگذریم، پرسش این است که امثال ما چه کمکی را می‌توانند به آقایان بکنند؟ واقعیت این است که از يك نظر كمك چندانی نمی‌توان کرد، زیرا اختلاف‌نظرات میان طرفین ناشی از تفاوت رویکردهای کلی و غیرفنی است. برای نمونه اتفاقی که اخیراً در برنامه معرفی آقای اژه‌ای رخ داد و قصد ایشان را برای زدن سیلی به فردی متخلف (فردی که در

